



# AN EXHIBITION OF PAINTINGS BY AZADEH RAZAGHDOOST

3 - 22 JANUARY, 2014 | VISITING HOURS OPENING 4 - 9 PM | SUNDAY TO THURSDAY 11 AM - 8 PM  
FRIDAY (EXCEPT EXHIBITION OPENINGS) 4 - 8 PM | THE GALLERY IS CLOSED ON SATURDAYS  
“SHADOWS OF EDEN”

۱۰/۱۱/۱۳۹۲ نمایش نقاشی‌های آزاده رزاق‌دost

زمان بازدید: گشايش ۱۶ تا ۲۱ | يكشنبه تا پنجشنبه ۱۱ تا ۲۰ | جمعه هاي غير از گشايش ۱۶ تا ۲۰ | گالري شنبه ها بسته است  
“سايه هاي عدن”

# قريب و غريب جهان

نگاهی به نمایشگاه آزاده رزاق دوست با عنوان «سایه‌های عدن» در گالری اثر

جواد حسنچانی

حتی آن جا که در محور افقی، عناصری از راست به چپ در کنار هم قرار گرفته‌اند: یا در نیمه بالای کادر دیده می‌شوند یا اینکه با شتابی که در ریتم حرکت رنگ شکل پذیرفته، نوعی تعالی به چشم می‌خورد. نقاشی اما خود به عنوان سطحی استقرار یافته در زمین شاید ناپایدار عمل می‌کند از همین رو شتاب رنگ‌ها را کاهش می‌دهد و آن‌ها برای دیده شدن وارد مناسبات سلبی می‌کند. نقاشی، همچون سایه، شمایلی از جاودانگی را داراست، اما جاودانه نیست، شبیه از آن را با خود به همراه دارد. «سایه‌های عدن» سطحی است که بخشی از فرایند ناهمخوان ولی موجود در جهان را ثبت می‌کند، کاری که با نقاشی پیوندی ناگستینی دارد. نقاشی در همین پیوند همراه با کشمکش معنا می‌یابد.

«سایه‌های عدن» به قابلیت‌های شاعرانه نقاشی نیز اشاره دارد. نقاشی آن طور که در دوران ما با فرم‌های ناب و بومهای عظیم خود را بر ما شناسانده است. عرصه نمایش، هر چه بیشتر، کنش نقاشانه است. فضایی که در آن بر عاملیت انسان نیرومند با عنوان هنرمند تاکید می‌شود. حتی منتقدان متاخر گرایش‌های ناب‌گرایانه مدرنیستی هم این ویژگی «عظیم بودن» را به شکل دیگری با مهارت‌های تکنیکی بازنمایی می‌کنند و همچنان این میراث فاخر و اقتدارگرا را در تابلوهایشان بازتولید می‌کنند. نقاشی آن جا تن به شعر می‌دهد که از خصوصیات تاریخی سنت نقاشی عدول می‌کند و نگرشی در جهت تغزلی کردن نقاشی پیدا می‌کند. آن جا که هیاهوی رنگ‌ها و فربه شدن جای خود را به سکوت می‌دهد تا ضربات اندک اما آهنگین ما را با نشانه‌هایی از جهان‌های غریب و موسیقی قریب مواجه

مواجهه با هر نقاشی به عنوان امر انضمایی این پرسش را در خلال خود مطرح می‌کند که «نقاشی چیست؟» عنوان «سایه‌های عدن» پاسخی ضمنی برای این پرسش بنیادی فراهم می‌کند. قرار گرفتن «عدن» به معنای جاودانگی در کنار «سایه‌ها» با خصلت گذرا و ناپایدار نهفته در معنای خود، اشاره‌ای ضمنی به ماهیت نقاشی دارد. جاودانگی در معنا همنشینی با امر ایجابی، پایدار و متعالی است و سایه در همین همنشینی زبانی با سلبی، ناپایدار و زمینی قرار می‌گیرد. به این ترتیب «سایه‌های عدن» محل تلاقی پایدار و ناپایدار، آسمانی و زمینی، ایجابی و سلبی است. این موضوع می‌تواند پیگیری ماهیت شکل‌یافته در نقاشی‌هارا روش‌تر سازد.

نیروهای متنضاد در نقاشی با هم تلاقی می‌کنند و تنش پرتحرکی را در لایه نازکی از پوست نقاشی می‌سازند و در دو جهت عمودی و افقی حرکت می‌کنند. نقاشی محل اتصال این دو جهت یا همان میدان کشاکش است. محور افقی دلالت بر امر گذرا دارد، از همین روزت که در زبان ملفوظ، تصویر سایه با گستراندن و پهن کردن همراه می‌شود. جهت عمودی علاوه بر ایستایی و مقاومت، به بالا رفتن اشاره دارد و با تعالی هم معنا می‌شود. این حرکت از پایین به بالا که در محور عمودی صورت‌بندی می‌شود امر مسقر در آن را پایدار می‌کند، چنان که خدایان همواره نزد ما در عرش جاودانه قرار دارند. «سایه‌های عدن» میل به بالا رفتن و تعالی یافتن را از خور بروز می‌دهد. گستره عظیم سفید رنگ، رشد نقش‌مایه‌های گیاهی و کشش آن‌ها بدین سو را امکان‌پذیر می‌کند یا به عبارتی نشان می‌دهد.



حفظ کردند. کارهای فریده لاشایی، به ویژه مناظرشن، برخوردي رمانتيك است که در نهايىت هيجانات خطوط و ضربات شتابان قلممو، زمينه نوعى تعالي را در نقاشي فراهم مى كند. نقاشى هاي آزاده رزاق دوست با توجه به بن مايهشان که طبیعت است و اسلوبى که با رنگ گذاري رقيق برگزinde و از آن مهمتر، با فضاهای خالي، نسبت هاي با اين سنت نقاشي برقرار مى كند. آن سوپي ديجر، اگر به شمایيل دو نقاشي با اندازه بزرگ که شاخمه هاي بزرگ در آنها قرار دارد رجوع كنيم، ارجاعي مسقیم به نقاشي هاي دوران تانگ در چين و درختان خرمای تصویر شده در اين طرقه را مى بینيم. نقاشي در وحدت با اين انتزاع شاعرانه، نه تنها پاي در سنت نقاشي گذارده و اندیشه هايی درباره تداوم آن را تصویر كرده، بلکه به يكى از منابع هنري نقاشي انتزاعي بازگشتی مستقیم داشته است.

نقاشي با تاثيراتي که از جهان بر خود ثبت كرده و فضائي که در ميان جهت ها فراهم آورده، شرایطی ضمنی برای بازگشت به چيسى نقاشي را فراخوانده است. ■

كند. نقاشي که کرامندي مادي رنگ ماده هاي اكسپرسيونisti را با تحليل بردن و فرایندی کاهنده توسعه مى بخشد تا آنها را تا مرزهای ناکرامندي جهان هاي غایب در نقاشي پيش برد. در نقاشي هاي آزاده رزاق دوست، انگار رنگها ذوب شده اند و اثراتي از آنها در تار و پود بوم بر جاي مانده است. همه برگها در حال تبديل شدنند و ذوب شدن را تبديل به فرایندی ادامه دار كرده اند، چيزی که در اندک عناصر موجود در نقاشي ها در جريان است. در دو تابلوی کوچکي که کثار هم قرار گرفته اند، تابلوی سمت چپ برگردانی از نقاشي مجاور را بر خود دارد. اما در تابلوی سمت چپ همه چيز روبه محو شدن است و در سپيدى زمينه ادغام مى شود. در اين تابلو حرکت و انتقال، تبديل شدن را پدیدار مى كند، امری که در اشكال مختلف پيرامون همین نقاشي ها در جريان است.

پيش از اين نقاشي هاي سپهرى و فریده لاشایي تحت تاثير هنر جنوب شرقی آسيا، انتزاعي شاعرانه را در حافظه نقاشي معاصر ايران ثبت كرده اند. نقاش هاي سپهرى با اسلوب آب مرکب هاي زاپنى، نزديكى خود را